### عزت‌الله ضرغامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از میراث فرهنگی، سینما، هنر و... می‌گوید

# چهره‌ها برای جمهوری اسلامی فرصت هستند

■ در حوزه معماری از ایده‌آل‌های انقلاب عقبیم ■ برخی خود را شاقول ولایت‌فقیه می‌دانند

ابوالقاسم رحمانی - معین احمدیان

**کم نداریم از آن دست مدیرانی که از قرار گرفتن در معرض رسانه به شدت پرهیز می‌کنند؛ شاید استدلال‌شان این است که حضورشان در رسانه خطاهایشان را بزرگ‌تر جلوه می‌دهد یا شاید هم شجاعت و توان این را ندارند که اگر شش‌دانگ حواس‌جمع حرف‌هایشان نبودند چطور پاسخگوی آنو گرفتن‌های بعدی شبکه‌های اجتماعی باشند. اما انگار عزت‌الله ضرغامی هیچ واهمه‌ای ندارد که خودش و عملکرد وزارت متبوعش را در معرض رسانه قرار دهد. او هشتم شهریورماه به روزنامه «فرهیختگان» آمد و ضمن بازدید از تحریریه ساعتی را هم به گفت‌وگو با ما نشست. ضرغامی یک سال است عهده‌دار وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شده و در این گفت‌وگو قرار نیست گزارش عملکرد یک‌ساله او در این وزارتخانه را بخوانید. با این حال شما با خواندن این گفت‌وگو، متوجه نگاه و رویکرد واحد او در حوزه مدیریت فرهنگی می‌شوید. نگاهی که واقعیت‌های موجود امروز جامعه ایران را فدای شعارزدگی نمی‌کند و با همین نگاه است که می‌گوید وضع ما در معماری بعد از انقلاب وضع قابل دفاعی نیست و معتقد است این نگاه آسیب‌شناسانه از موضع قدرت است، نه از موضع ضعف! با وقتی نسبت به شکاف مدیران فرهنگی و اهالی هنر هشدار می‌دهد، می‌گوید شعار نمی‌دهم. چهره‌های هنری فرصت جمهوری اسلامی هستند.**

**به «فرهیختگان» خوش آمدید. سؤالاتی در حوزه‌های مختلف آماده شده تا در این گفت‌وگو به تفصیل به آنها پاسخ دهید.**

من روزنامه «فرهیختگان» را روزنامه موفقی می‌دانم و معتقدم درپچه جدیدی به حوزه رسانه‌ای کشور درطول سال‌های اخیر باز کرده است. ما رسانه‌های زیادی داشتیم که به دستگاه یا سازمانی متصل بودند و دست‌به‌دست شدند، وقتی این اتفاق می‌افتد توقع این است که تحول جدی در آن رسانه ایجاد شود. من روزنامه «فرهیختگان» را از این جهت جزئی از تحول جدی می‌دانم که با تحول سازمانی‌اش که انجام شد درواقع جلوتر از سازمان متحول شد. این کار ارزشمندی است و نشان می‌دهد یک مدیریت تخصصی، شجاعانه و رسانه‌فهم اینجا مستقر شده است. من کلا اهل تعارف نیستم. برخی آقایان که نزد علما می‌روند، برای انتقاد کوچکی که بخواهند انجام دهند ابتدا باید کلی تعریف و تمجید کنند بعد درنهایت یک نکته بگویند. در این مواقع هزار زمینه‌سازی باید انجام داد تا یک انتقاد کرد. درباره رسانه «فرهیختگان» اما و نحولی که در این روزنامه اتفاق افتاد و هزینه آن را هم می‌دهید، شاید تعداد پرونده‌های مفتوح یکی از شاخص‌هایی است که نشان می‌دهد یک روزنامه وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهد. به همین دلیل تبریک عرض می‌کنم. رسانه‌ای که شجاع نباشد رسانه نیست.

رسانه پل میان مردم و حاکمیت است. اگر وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد جامعه را نقاپیدا می‌کند اما اگر مزدبگیر باشد و کارمندی عمل کند، اثرگذار که نیست و تاثیری هم ندارد. هرچه هم نویسنده و سرمایه‌گذاری شود وظیفه خود را انجام نمی‌دهد. درست است که روزنامه‌ای متعلق به سازمانی است و رسانه‌های در حوزه اطلاع‌رسانی دارد اما اگر وظیفه رسانه‌ای خود را به‌درستی انجام ندهد و تنها گوش به‌فرمان باشد رسانه تاثیرگذاری نیست. یکی از مشکلاتی که در کشور داریم این است که خیلی از (NGO)ها حاکمیتی هستند. سازمانی شده‌اند و ظاهرا سازمان غیررسمی و سمن است ولی وقتی دقیق نگاه می‌کنید تا انتهایوسته به جریانی در حاکمیت، دولت و احصاب قدرت وثروت هستند. درست مقابل آن مفهوم آتش به اختیار که رهبری بیان کردند که به نظرم روزنامه باید آتش به اختیار باشد اما خیلی از به‌اصطلاح آتش به اختیارها، درواقع آتش به فرمان هستند. در ظاهر آتش به اختیار هستند ولی در باطن جایی به آنها فرمان می‌دهد. اینها باید حذف شوند.

به‌نظرم شما هم کار درستی انجام می‌دهید و هم نگاه تن تخصصی است، هم به‌صورت پرونده‌ای برخی موضوعات را جلو می‌برید و هم اینکه در اتحکام کار خود شجاعت و صراحت دارید. البته می‌تواند اشتباه هم داشته باشید که نباید باعث شود از مسیری که انتخاب کرده‌اید خارج شوید. من هم تبریک می‌گویم و هم امیدوارم در مامورت حساسی که در این سال‌ها داشته‌اید، روزبه‌روز گام‌های موثری بردارید.

**عملکرد دولت را در حوزه میراث فرهنگی طی سال‌های اخیر چطور ارزیابی می‌کنید؟**

در حوزه معماری، بحثی را خیرا مطرح کردم، ان‌شاءالله برچمی را که بلند کردیم زمین نمی‌گذاریم، وضع ما در معماری بعد از انقلاب قابل قبول و قابل دفاع نیست. این را هم من بیان نمی‌کنم، بلکه کارشناسان و شخصیت‌های برجسته و حاب‌نظر در کشور نه‌تنها در جلسات پشت‌صحنه، بلکه در جلسات رسمی بیان می‌کنند. برخی گمان می‌کنند برای اولین‌بار است که این مسائل مطرح می‌شود. زمانی که در دولت قبل عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بودم، درمجموع حدود سه‌جلسه مشخصا درباره وضعیت اسفبار معماری در کشور دستور جلسه داشتیم. شهردار و وزیر راه دعوت شدند و اطلاعاتی در آن جلسه مطرح شد که همه حاکی از این بود که خطای بزرگی در حوزه معماری کشور در حال وقوع است. تصمیماتی هم گرفته شد، سندی تهیه و قرار شد براساس این سند عمل شود. آن نکته‌ای که در این خصوص که بیان کردم شاید برخی راستست به موضوع حساس کرد. تصور می‌کنم ما در حوزه‌ای بین جمهوری اسلامی ونظام قبلی به‌نوعی قضاوت می‌کنیم. ابتدا شبکه‌های خارجی قدری خوشحال شدند، در این خصوص گزارش تهیه کردند که نباید خیلی خوشحال باشند، چون پهلوی آنقدر خیانت کرده و کارنامه سیاهی دارد که با این بحث‌ها در حوزه کارشناسی تطهیر نمی‌شود.

حوزه‌های دیگر بماند، خیانتی را که پهلوی فقط به حوزه هنر کرده است ببینید؛ به هنر نمایش که جدی‌ترین و گسترده‌ترین حوزه از جهت ارتباط با مردم است، دقت کنید. به‌عنوان یک کارشناس سینما این را بیان می‌کنم، سینما قبل از انقلاب نابود شد، یعنی اگر امام در بدوورود به کشور درباره سینما موضع نمی‌گرفتند و نمی‌فرمودند ما با سینما و تلویزیون مخالف نیستیم ولی با فساد و فحشا مخالف هستیم، که به‌دنبال آن سیاست‌های کشور سراغ دفاع از سینمای پاک و باهویت رفت، پرونده سینما در دوره رژیم قبلی کلا بسته شده بود. من ویدئوهایی در صفحات مجازی خودم از همان زمان دارم که همه دور هم جمع می‌شدند و از مرحوم فردین و دیگران حرف می‌زدند و می‌گفتند از سینما چیزی نمانده است. چیزی به نام فیلمفارسی آمد و حتی موج نوسینمایی که بعد از انقلاب ادامه یافت نتوانست در مقابله با آن موفق باشد. سینما در دوران رژیم پهلوی نابود شد. فعالیت‌های زنان، ورزش و هرچه نام ببرید نابود شد. من الان نمی‌خواهم کارنامه افتخارآمیز جمهوری اسلامی را بیان کنم، فقط می‌خواهم درباره زنان صحبت کنم که بهانه می‌کنند حجاب اجازه نمی‌دهد زن‌ها فعال شوند ونیمی از جامعه کنار گذاشته شده است، در این خصوص باید بگویم در حوزه نمایش، در همه زمینه‌ها اعم از کارگردانی که قبل از انقلاب نداشتیم و الان قوی‌ترین کارگردانان ما در سطح جهانی هستند و الان قوی‌ترین نویسندگی، تالیف و تحقیق، برای انتقاد کوچکی که بخواهند انجام دهند ابتدا باید کلی تعریف و تمجید کنند بعد درنهایت یک نکته بگویند. در این مواقع هزار زمینه‌سازی باید انجام داد تا یک انتقاد کرد. درباره رسانه «فرهیختگان» اما و نحولی که در این روزنامه اتفاق افتاد و هزینه آن را هم می‌دهید، شاید تعداد پرونده‌های مفتوح یکی از شاخص‌هایی است که نشان می‌دهد یک روزنامه وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهد. به همین دلیل تبریک عرض می‌کنم. رسانه‌ای که شجاع نباشد رسانه نیست.

رسانه پل میان مردم و حاکمیت است. اگر وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد جامعه را نقاپیدا می‌کند اما اگر مزدبگیر باشد و کارمندی عمل کند، اثرگذار که نیست و تاثیری هم ندارد. هرچه هم نویسنده و سرمایه‌گذاری شود وظیفه خود را انجام نمی‌دهد. درست است که روزنامه‌ای متعلق به سازمانی است و حوزه‌ای در حوزه اطلاع‌رسانی دارد اما اگر وظیفه رسانه‌ای خود را به‌درستی انجام ندهد و تنها گوش به‌فرمان باشد رسانه تاثیرگذاری نیست. یکی از مشکلاتی که در کشور داریم این است که خیلی از (NGO)ها حاکمیتی هستند. سازمانی شده‌اند و ظاهرا سازمان غیررسمی و سمن است ولی وقتی دقیق نگاه می‌کنید تا انتهایوسته به جریانی در حاکمیت، دولت و اصحاب قدرت وثروت هستند. درست مقابل آن مفهوم آتش به اختیار که رهبری بیان کردند که به نظرم روزنامه باید آتش به اختیار باشد اما خیلی از به‌اصطلاح آتش به اختیارها، درواقع آتش به فرمان هستند. در ظاهر آتش به اختیار هستند ولی در باطن جایی به آنها فرمان می‌دهد. اینها باید حذف شوند.

به‌نظرم شما هم کار درستی انجام می‌دهید و هم نگاه تن تخصصی است، هم به‌صورت پرونده‌ای برخی موضوعات را جلو می‌برید و هم اینکه در اتحکام کار خود شجاعت و صراحت دارید. البته می‌تواند اشتباه هم داشته باشید که نباید باعث شود از مسیری که انتخاب کرده‌اید خارج شوید. من هم تبریک می‌گویم و هم امیدوارم در مامورت حساسی که در این سال‌ها داشته‌اید، روزبه‌روز گام‌های موثری بردارید.

**عملکرد دولت را در حوزه میراث فرهنگی طی سال‌های اخیر چطور ارزیابی می‌کنید؟**

در حوزه معماری، بحثی را خیرا مطرح کردم، ان‌شاءالله برچمی را که بلند کردیم زمین نمی‌گذاریم، وضع ما در معماری بعد از انقلاب قابل قبول و قابل دفاع نیست. این را هم من بیان نمی‌کنم، بلکه کارشناسان و شخصیت‌های برجسته و حاب‌نظر در کشور نه‌تنها در جلسات پشت‌صحنه، بلکه در جلسات رسمی بیان می‌کنند. برخی گمان می‌کنند برای اولین‌بار است که این مسائل مطرح می‌شود. زمانی که در دولت قبل عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بودم، درمجموع مرمت کارهای ماجزء بهترین مرمت کارهای دنیا هستند، یعنی همین الان سفارش‌های دیگر کشورها را داریم که با من صحبت کرده‌اند، مثل آذربایجان که وزیر این کشور به‌طور جدی از من درخواست می‌کرد چند گروه مرمت کار با حقوق و مزایای خوب به این کشور بفرستیم تا اینبه آنها را که به‌بخش زیادی از معماری ما همحکوانی دارد، مرمت کنند. کشورهای همسایه همچون عراق هم این درخواست‌ها را داشته‌اند. بنیه معماری و مرمت کاری ما فوق‌العاده قوی است و از این جهت غنی هستیم. ان‌شاءالله باید بتوانیم با برنامه‌ریزی‌های جدیدتری که انجام می‌دهیم هم درصد خطاهـا را کم کنیم و هم اعتبارات خوبی فراهم کنیم. خیلی اما کن نیاز به مرمت دارند که به‌خاطر اعتبارات محدود مرمت‌شان انجام نمی‌شود.

این را هم بیان کنم که قبل از انقلاب، تخت‌جمشید که ستون آن یکی از آثار ارزشمند تاریخی ماست، وقتی مشکل داشت و می‌خواستند آن را مرمت کنند، یک کمرآرندی می‌کردند و با سیمان ماله می‌کشیدند. من در صفحه‌های مجازی خودنشان دادم این ستون با سیمان صاف شده است اما الان رزین کیلویی ۱۲ میلیون تومان را برای این کار تهیه می‌کنیم. آنهایی که در خارج از کشور بحث میراث فرهنگی را طرح می‌کنند که همراه بایک نگاه غلط و تطهیر دیگران هم است، بدانند در همین موج مشکلات برای مرمت ماده گرانقیمت کیلویی ۱۲ میلیون تومان مصرف می‌شود، همان طور که در ویدئویی نشان دادم، با سرنگ میلیمتری این مواد را به لایه‌های مختلف سنگی ستون‌ها تزریق می‌کنیم که دقیقا به همان شکل فریز شود و ستون‌ها درست مانند شکل اولیه‌شان باقی بمانند. درحالی که قبل از انقلاب همین ستون‌ها را قالب‌بندی و سیمان کشی کردند.

اگر به جاده شیراز-کازرون بروید، از کنار تابلویی که مربوط به دوره ساسانی است، ازجمله تصویر والرین که حضرت آقا یک‌بار اشاره کردند، پادشاه رومی درمقابل پادشاه ایرانی به زانو افتاده وتقاضای بخشش می‌کند که این اقتدار ایران را نشان می‌دهد. در این چند کتیبه یک کتیبه کاملا سیاه است یعنی باید دقت زیادی داشته باشید که نقوش برجسته را ببینید. تابلوی بعدی این طور نیست. علت این است که آنجا رودخانه‌ای بوده و آب رد می‌شده اما پیش از انقلاب آن رودخانه را درست هدایت نکردند، بنابراین آب پشت این صخره آمده و این کتیبه را نابود کرده است. جمهوری اسلامی این را تشخیص داد، هزینه کرد، پروژه تعریف کرد و مسیر رودخانه را عوض کرد تا آب هدایت شده و این کتیبه مرمت شود. الان کتیبه کنار آن بسیار تمیز و آسیب‌شناسی آن موضع قدرت است، نه از موضع ضعف! ما حاکم هستیم و قدرت داریم و کارهای بزرگ می‌کنیم. اگر در جایی می‌بینیم که معماری ما ضعیف است یا قدرت آسیب‌شناسی می‌کنیم، کاری به دشمن نداریم و ان‌شاءالله سعی می‌کنیم ضعف‌ها را اصلاح کنیم.

**بحث مرمت مسجد امام اصفهان حواشی بسیاری به‌همراه داشت که نه‌تنها نمی‌توانیم در حوزه معماری تولیدی داشته باشیم، بلکه معماری‌های موجود را نمی‌توانیم حفظ کنیم و حتی در ترمیم هم دچار مشکل هستیم. نظر شما در این خبرتی چیست؟**

درباره گنبد مسجد امام هم که بیان کردید، بنابراین از ۱۲ سال پیش که مرمت شروع شد اشکالاتی به وجود آمد. البته استادکار آنجا یک استادکار صاحب‌نام و موجه بود اما به‌دلایلی وقتی بعد از ۱۲ سال این داربست‌ها باز شد، احساس شد اشکالات کلی در این مرمت وجود داشته که الان روشن است و یک شورای علمی برای آن در معاونت میراث فرهنگی انتخاب شد که این مساله را پیگیری و اصلاح کنند. البته من این مساله در درس گوشم. ابلاغ کردم که باید در مرمت اصول دیگری هم رعایت شود؛ چه در جزئیات و چه در نمای کلی که باید باهم جلو بروند. ابزار تونین به‌ما کمک می‌کند.

**انتقاداتی متوجه میراث فرهنگی است، مثلا شهرداری تهران نشست خبری‌اش را در عمارت مسعودیه برگزار کرد که وضعیت به‌شدت بدی هم دارد... سؤال همه خبرنگاران این بود که آیا این عمارت که لوکیشن بسیاری از فیلم‌ها بوده نگهداری‌اش اولویت نداشته**

**سؤال بعد درباره ساختمان‌های نااَیمن و مشخصا بازار تهران است. خیلی از جرجدرها و مغازه‌دارها شهرداری و میراث فرهنگی را در عدم‌ایمن‌سازی آنجا خدیل می‌دانستند. هم قلب اقتصادی کشور است و هم جمعیت زیادی آنجا رفت‌وآمد دارند اما هر سال به کرات در آنجا شاهد خرابی و آتش‌سوزی هستیم. چه برنامه‌ای برای این معضل دارید؟**

این سوال ناظر به یکی از مهم‌ترین موارد نظام مسائل ماست که همان اولویاک کار خودرا کردیم. آثار تاریخی مسائل خاص خود را دارند که ازجمله این مسائل مربوط به ایمنی آنهاست. من چند سال قبل یک متن اینستاگرامی نوشتم که مربوط به فرندیکی از اقلیت‌های ماست که رفتند در رایندره‌رود عکس بگیرند، به همین منظور عقب‌عقب رفته بود و از آن بالا به پایین پرت شـد. اسم این یادداشت من جاتانان است. جاتانان پسر آن عزیزی بود کـه از آن بالا به پایین افتاد و فوت کرد. من در مراسم ختم ایشان شرکت کردم. روزهای آخر مسئولیت من در صداوسیما بود و چون مراسم نزدیک خانه ما بود دیدم سیاهی زده‌اند به‌خانه ایشان رفتم. هموطن‌های عزیز کلیمی‌مان بودند. وقتی از همسر جوان ایشان پرسیدم چطور شد؟ ایشان گفت همسر من روی سی‌وسه‌پل عقب‌عقب رفت که از ما عکس بگیرد اما چون آنجا حفاظی نداشت از آنجا به پایین پرت شد و از دنیا رفت. ما او را کشتیم. همان زمان با صراحت گفتم. در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح کردم که این حداقل‌های ایمنی باید رعایت شوند، چرا این اتفاق نمی‌افتد؟ یک‌سال طول کشید تا بررسی کردند و گفتند نمی‌شود. من اما این مساله را راهنکردم و دوباره در شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را مطرح کردم و نتیجه این حفاظی شد که الان در آنجا زده‌اند.

من نسبت به این مسائل و جان آدم‌ها حساس هستم. به همین دلیل در تبریز که بزرگ‌ترین پروژه‌ای است که دستور ایمن‌سازی آن را دادیم، باوجود اینکه بازار فوق‌العاده تبریز ثبت جهانی است، بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده و بیوسته دنیاست، ایمن‌سازی انجام شد. آنجا اجازه لوله‌کشـی گاز را نمی‌دهند، مردم در آنجا در زمستان یخ می‌کنند. داخل بازار ۵-۶ درجه از بیرون آن سردتر است. گفتند اجازه لوله‌کشی گاز را نمی‌دهیم به این دلیل که اگر آتش‌سـوزی شـود کل بازار و این اثر از بین می‌رود. من در این باره تحقیق کردم و با کارشناسان صحبت کردم، یک جلسه در بازار گذاشتیم و همه صنوف آمدند و آنجا تصمیم گرفتیم و مساله‌اتمام‌شد، گفتم حتما لوله‌کشی گاز انجام می‌شود. دلیلش این است که تکنولوژی امروز به ما کمک کرده و حسگرهایی در این لوله‌کشـی استفاده می‌شود که به محض اینکه یک واحد در بازار دچار آتش‌سوزی شود آن حسگرها فورا گاز را در کل بازار قطع می‌کنند. تکنولوژی در اینجا به ما کمک کرد. من در همان جلسه این مساله را تبیین کردم و فعالان و رسانه‌های ما نیز قانع شدند. البته همان جا هم گفتم که باید سرمایه‌گذاری بیشتری شود و بازاری‌ها هم کمک کنند و ایستگاه‌های اطفای حریق را در بازار تعبیه کنند. این کاری بود که سال‌ها روی زمین مانده بود اما درنهایت تصمیم گرفتنیم و عمل کردیم. آقای رئیس‌جمهور و امام‌جمعه تبریز هم از من تشکر کردند.

درباره بازار تهران نیز همان زمان دسـتور دادم که مطالعاتش انجام شود. ایمنی و پایداری باید براساس اصول مرمت ما باشد. برخی دوستان تصور می‌کنند اگر بخواهیم آنجا را ایمن کنند یعنی باید بکنند، نابود کنند و تیرآهن کار بگذارند. این مشکل را در بازاری در مشهد داشتیم که ودیدوعایش را در صفحه مجازی خود گذاشتم. بازاری‌ها به صراحت می‌گویند ما نمی‌توانیم پول بگذاریم و مرمت کنیم، ما اینجا را تخریب می‌کنیم و تیرآهن می‌اندازیم. این طور نمی‌شود. باید با کمک هم و با اعتباراتی که بازاری‌ها کمک می‌کنند چون محیط تاریخی آنها را حفظ می‌کنیم، بازار را ایمن کنیم. در جاهایی هم چاره‌ای نیسـت. برای افلان میراث فرهنگی می‌گویم، همکاران ما در چنین مکان‌هایـی، کوچک‌ترین اتفاقی که می‌افتد حق دارند آن را رسانه‌ای کرده و به من گله کنند.

**اهمیت نقش رسـانه‌ها و فعالان میراث فرهنگی را در این حوزه چطور می‌بینید؟**

من صرحابه‌همکاران رسانه‌ای وفعالان میراث فرهنگی می‌گویم شما شاقول ما هستید. یعنی اگر اینها نباشند هر روزیک اتفاقی در کشورمی‌افتد. من یک پرانتز سیاسی بازکنم که در مملکت‌ما دربحث‌های سیاسی واجتماعی برخی از آقایان خیال می‌کنند در کشـور شاقول یا ماتره‌معیار هسـتند، یعنی فکر می‌کنند حزب‌اللهی بودن و ارزشی بودن، حتی رهبری صحبت کردن همان طور باید باشد که این آقایان مجوز می‌دهند. به من اشکال می‌گیرند چرا در فلان جا درباره رهبری این طور صحبت کردید. گفتم رهبری یک جلالی دارد و یک جمالی! شما همه جلال رهبری را تبلیغ می‌کنید که برخی هم درست نیست اما جمال رهبری را یا سوادش را ندارید، یا تجربه شخصی ندارید، یا شجاعت ندارید یا اصلا نمی‌خواهید تبلیغ کنید. برخی کلا اهل جمال نیسـتند، اهل زیبایی نیستند. با این مفهوم قهر هستند. اهل جدال وشادی نیستند. شما اهلش نیستید ولی مردم شادی و جمال می‌خواهند، مردم زیبایی ما را می‌خواهند و اتفاقا اندرونی و سبک زندگی رهبری را می‌خواهند که پر از جمال است. من این کار را می‌کنم و هزینه‌اش را هم می‌پردازم. برخی شاقول ولایت‌فقیه شده‌اند، شاقول ارزشی بودن شده‌اند، من در مهندسـی معتقدم شاقول مهم است، تراز مهم است و یک مقدار اگر خشـت اول کج باشـد تا ثریا دیوار کج می‌رود، هر چقدر دقت در جزئیات در حوزه پزشـکی درست است، در کار نانو درست اسـت، در امور فنی و مهندسی درست است، من معتقدم در بحث‌های اجتماعی هم این چنین است. این مقدار دوم اهل حریم شخصی مردم نباید شد. قدیما بلوی خوشبین بود، بساط خوشبینی جمع شده و ازمیان رفته است. به خاطر خطرات و تهدیداتی که داشتیم نگاه امنیتی ما غلبه کرده. این درست است. کاملا به این موضوع توجه دارم اما به تدریج این نگاه امنیتی تبدیل به یک سبکی از زندگی شده، تبدیل به قوانین ناتوشته اجتماعی شد، هر کارمی خواهید انجام دهید فرض بر این است که یک مشکل امنیتی دارد وبرای حل آن چه باید کرد؟ مشخص است این چنین کار جلوتمی‌رود. من معتقدم؛ به اهمیت شاقول درامور خاصی که‌بیان کردم هستم. در مسائل اجتماعی ورفتاری ما اصولی داریم، با اصول کسـی مخالف نیسـتیم. باز نگویند فرغامی معتقد است همه چیز را به‌هم بزنیم و هر کسی هر کاری دوست بکند. ما اصول را قبول داریم و این مفروض است، ما در کیراصلش کل نداریم بلکه در صغرا مشکل داریم. یعنی با کیراخانم هیچ کسی گیر ندارد و دعواهای ما روی صغراخانم است چون صغراخانم جزئیات است و هر کسی در چارچوب اقلیت‌ها و کارشناس می‌شود، نباید حتما به آن تن داد. من معتقدم در این

**و میراث فرهنگی که متولی نگهداری آن است چرا به این مکان تاریخی رسیدگی نمی‌کند؟ این رابطه چگونه است؟ آیا این اماکن صرفایک منبع درآمدی برای سازمان هستند؟**

اماکن تاریخی اجمالا منبع درآمدی برای دولت نیستند، یعنی به نسبت هزینه‌های نگهداری زیادی که دارند، چه‌فنی وتجهیزاتی وچه پرسنلی که باید آنجا را اداره کنند، به‌مراتب خیلی بیشتر از قیمت بلیت‌های ارزانی که جهت بازدید از این اماکن خریداری می‌شوند، سرمایه‌گذاری می‌شود. ما ۳۵ هزار اثر ثبتی داریم که ثبت‌ملی شـده‌اند و نسـبت به همه اینها مسئولیت داریم. من یک‌بار بحث اعتبار مرمتی را توضیح دادم. وقتی این اعتبارات را نسبت به این آثار تقسیم می‌کنید به هرکدام از این ابنیه ثبت ملی روزی ۳۰۰ تومان می‌رسد. البته سال گذشته این طور بود، حالا اعتبارات عمرانی را زیاد کرده‌ایم و بیش از دوبرابر شـده است. یعنی به نسـبت میانگین افزایش ۳۵ درصدی بودجه عمرانی دولت، ما توانستیم ۷۷ درصد بودجه را افزایش دهیم که بخش عمده‌ای مربوط به مرمت است.

بنیه محدودی برای کار مرمت داریم. در این زمینه ۱۰۰ پایگاه مهم هستند که یک اعتبار ویژه‌تری دارند، اعتبار و توجه و پرسنل بیشـتر برای این اماکن است که آنها را خوب نگهداری و به‌روز کرده و مردم هم استفاده کنند تا در آنها برنامه‌های جمعی هم داشته باشیم. کاخ گلستان و جاهای دیگر همین طور است، خوب نگهداری می‌شوند. وضعیت این عمارت اصلا مورد تایید ما نیست. من عمارت مسعودیه را دیده و خیلی هم دوست داشتم همان جا این مشکل را حل کنم. اختلاف جدی درباره پیمانکار وجود دارد. او براساس قراردادی ما موریتی گرفته و بعدا دعوا و اختلاف شده است که البته این اتفاقات در دوره مدیریت قبلی بود. این اختلافات به دستگاه قضایی کشیده شده و همین طور مانده است و در سیکل دستگاه قضایی می‌چرخد. بنابراین آنجا نمی‌توانستم سریعا مساله را حل کنم و تصمیم بگیرم چون پروژه بزرگی است. کاری که کردم این است که بخشی را در وزارتخانه سامان دادم و این به‌خاطر تجربه‌ای بود که داشتم. ابتدا برای دوستان ما عجیب بود اما بعد دیدند این کار لازم است. گفتم کمیته‌ای درسـت کنید که مختص پروژه‌های ویژه باشد؛ ویژه یعنی آنهایی که اختلافی داشتند و کارهایشان مانده است، از بخش حقوقی تا معاون میراث، معاون اداری و مالی، همه را در این کمیته گرد هم آورده و خواهش کردم این پروژه‌های بزرگ را که دعوایی هسـتند، کندحامنشی حل وتمام کنند. چندموردز این پروژه‌ها را بر، به‌سمت سمنان کمی رویدد درسرخه‌مجتمع گردشـگری بزرگی راافتاد ذاری شده اما بودجه‌ای نبوده و هر کار همان جا نگه داشته‌اند و حالا در دعواهای سیاسی افتاده است.

در سفر رئیس‌جمهور که به آنجا رفتیم سیاسیون آنجا می‌گفتند این مشکل برای آقای روحانی است و سرخه ولایت آقای روحانی است. پروژه بزرگی اینجا انجام دادند و در انجام آن ماندند. من این پروژه را کامل بررسی کردم، هرچه بوده است با لاخره باید با پیمانکار تسویه شود. چه بخواهیم به بخش خصوصی بدهیم و چه خود ما کاربری این مکان را داشتیم باید تصمیم بگیریم. در وزارتخانه چند پروژه اینچنینی که ازجمله آنها عمارت مسعودیه است. امیدوارم در آینده نزدیک این مساله حل شود. آنجا مرمت شروع شده بود و ادامه آن باید انجام شود. معماری این مکان تلفیقی بین معماری سـنتی و معماری غربی است که در زمان ناصرالدین شاه وقرنه‌ا بود. در غرب هم می‌دانستند که معماری مایک معماری پاک و با عفاف بود، یعنی برای ایران باسـتان را هم که نگاه می‌کنید تمام سنگ‌نوشـته‌ها و کتیبه‌ها را کـه می‌بینید، عفاف و حجاب به‌صورت مطلق در تمام این آثار باسـتانی ما بوده‌اند. پس از اسلام هم همین طور است تا نوبت به پهلوی می‌رسد، در این حوزه جای پاهایی که برای ناپاک کردن آن گذاشتند، نمایان است. همین که نگاه می‌کنید سـردر آن نقوش برجسته‌ای وجود دارد که با الهام از معماری‌های غربی، فرشته‌های عریان ولخت است. این سبک معماری نشـان می‌دهد یک معماری خاصی را می‌خواستند پیاده کنند. ان‌شاءالله در آینده نزدیک مسـائل این پروژه را حل می‌کنیم و مرمت عمارت مسعودیه و چند بنای اختلافی دیگر را آغاز می‌کنیم.

**بحث مرمت مسجدامام اصفهان حواشی بسیاری به‌همراه داشت که نه‌تنها نمی‌توانیم در حوزه معماری تولیدی داشته باشیم، بلکه معماری‌های موجود را نمی‌توانیم حفظ کنیم و حتی در ترمیم هم دچار مشکل هستیم. نظر شما در این خبرتی چیست؟**

درباره گنبد مسـجد امام هـم که بیان کردید، بنابراین از ۱۲ سال پیش که مرمت شروع شد اشکالاتی به وجود آمد. البته استادکار آنجا یک استادکار صاحب‌نام و موجه بود اما به‌دلایلی وقتی بعد از ۱۲ سال این داربسـت‌ها باز شد، احساس شد اشکالات کلی در این مرمت وجود داشته که الان روشن اسـت و یک شورای علمی برای آن در معاونت میراث فرهنگی انتخاب شد که این مساله پیگیری و اصلاح کند. البته من این مساله در درس گوشم. ابلاغ کردم که باید در مرمت اصول دیگری هم رعایت شود؛ چه در جزئیات و چه در نمای کلی که باید باهم جلو بروند. ابـزار تونین به‌ما کمک می‌کند.

**سؤال بعد درباره ساختمان‌های نااَیمن و مشخصا بـازار تهـران اسـت. خیلـی از جرجدرها و مغازه‌دارها شهرداری و میراث فرهنگی را در عدم‌ایمن‌سازی آنجا خدیل می‌دانستند. هم قلب اقتصادی کشـور اسـت و هم جمعیت زیادی آنجا رفت‌وآمد دارند اما هر سال به کرات در آنجا شاهد خرابی و آتش‌سوزی هستیم. چه برنامه‌ای برای این معضل دارید؟**

این سوال ناظر به یکی از مهم‌ترین موارد نظام مسـائل ماست که همان اولویاک کار خودرا کردیم. آثار تاریخی مسـائل خاص خود را دارند که ازجمله این مسائل مربوط به ایمنی آنهاست. من چند سال قبل یک متن اینستاگرامی نوشتم که مربوط به فرندیکی از اقلیت‌های ماست که رفتند در رایندره‌رود عکس

**اماکن تاریخی که متولی نگهداری آن است چرا به این مکان تاریخی رسیدگی نمی‌کند؟ این رابطه چگونه است؟ آیا این اماکن صرفایک منبع درآمدی برای سازمان هستند؟**

اماکن تاریخی اجمالا منبع درآمدی برای دولت نیستند، یعنی به نسبت هزینه‌های نگهداری زیادی که دارند، چه‌فنی وتجهیزاتی وچه پرسنلی که باید آنجا را اداره کنند، به‌مراتب خیلی بیشتر از قیمت بلیت‌های ارزانی که جهت بازدید از این اماکن خریداری می‌شوند، سرمایه‌گذاری می‌شود. ما ۳۵ هزار اثر ثبتی داریم که ثبت‌ملی شـده‌اند و نسـبت به همه اینها مسئولیت داریم. من یک‌بار بحث اعتبار مرمتی را توضیح دادم. وقتی این اعتبارات را نسبت به این آثار تقسیم می‌کنید به هرکدام از این ابنیه ثبت ملی روزی ۳۰۰ تومان می‌رسد. البته سال گذشته این طور بود، حالا اعتبارات عمرانی را زیاد کرده‌ایم و بیش از دوبرابر شـده است. یعنی به نسـبت میانگین افزایش ۳۵ درصدی بودجه عمرانی دولت، ما توانستیم ۷۷ درصد بودجه را افزایش دهیم که بخش عمده‌ای مربوط به مرمت است.

بنیه محدودی برای کار مرمت داریم. در این زمینه ۱۰۰ پایگاه مهم هستند که یک اعتبار ویژه‌تری دارند، اعتبار و توجه و پرسنل بیشـتر برای این اماکن است که آنها را خوب نگهداری و به‌روز کرده و مردم هم استفاده کنند تا در آنها برنامه‌های جمعی هم داشته باشیم. کاخ گلستان و جاهای دیگر همین طور است، خوب نگهداری می‌شوند. وضعیت این عمارت اصلا مورد تایید ما نیست. من عمارت مسعودیه را دیده و خیلی هم دوست داشتم همان جا این مشکل را حل کنم. اختلاف جدی درباره پیمانکار وجود دارد. او براساس قراردادی ما موریتی گرفته و بعدا دعوا و اختلاف شده است که البته این اتفاقات در دوره مدیریت قبلی بود. این اختلافات به دستگاه قضایی کشیده شده و همین طور مانده است و در سیکل دستگاه قضایی می‌چرخد. بنابراین آنجا نمی‌توانستم سریعا مساله را حل کنم و تصمیم بگیرم چون پروژه بزرگی است. کاری که کردم این است که بخشی را در وزارتخانه سامان دادم و این به‌خاطر تجربه‌ای بود که داشتم. ابتدا برای دوستان ما عجیب بود اما بعد دیدند این کار لازم است. گفتم کمیته‌ای درسـت کنید که مختص پروژه‌های ویژه باشد؛ ویژه یعنی آنهایی که اختلافی داشتند و کارهایشان مانده است، از بخش حقوقی تا معاون میراث، معاون اداری و مالی، همه را در این کمیته گرد هم آورده و خواهش کردم این پروژه‌های بزرگ را که دعوایی هسـتند، کندحامنشی حل وتمام کنند. چندموردز این پروژه‌ها را بر، به‌سمت سمنان کمی رویدد درسرخه‌مجتمع گردشـگری بزرگی راافتاد ذاری شده اما بودجه‌ای نبوده و هر کار همان جا نگه داشته‌اند وحالا در دعواهای سیاسی افتاده است.

در سفر رئیس‌جمهور که به آنجا رفتیم سیاسیون آنجا می‌گفتند این مشکل برای آقای روحانی است و سرخه ولایت آقای روحانی است. پروژه بزرگی اینجا انجام دادند و در انجام آن ماندند. من این پروژه را کامل بررسی کردم، هرچه بوده است با لاخره باید با پیمانکار تسویه شود. چه بخواهیم به بخش خصوصی بدهیم و چه خود ما کاربری این مکان را داشتیم باید تصمیم بگیریم. در وزارتخانه چند پروژه اینچنینی که ازجمله آنها عمارت مسعودیه است. امیدوارم در آینده نزدیک این مساله حل شود. آنجا مرمت شروع شده بود و ادامه آ